

نهاد تخفیف در قوانین ماهوی و شکلی

سارا بهادران^۱، علیرضا آقاسی^۲

۱. وکیل دادگستری عضو کانون وکلای دادگستری اصفهان، دانشجوی دکترای حقوق جزا و جرم شناسی،

Sara_bahadoran@yahoo.com دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ایران

۲. وکیل دادگستری عضو کانون وکلای دادگستری اصفهان، مدرس دانشگاه، دانشجوی دکترای حقوق

Alireza.aghassi@yahoo.com خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ایران

چکیده

در راستای سیاست فردی کردن مجازات‌ها، مقررات مربوط به تخفیف مجازات همواره مطمح نظر مقنن بوده است. در یک تقسیم بندی کیفیات مخففه، به کیفیات مخففه قضایی و قانونی تقسیم می گردد. کیفیات مخففه قضایی برخلاف کیفیات مخففه قانونی که بصورت پراکنده در مواد قانونی بخش تعزیرات آمده است، طی فصل چهارم از بخش دوم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ در مواد ۳۷ و ۳۸ بیان گردیده است.

به موازات پیش بینی اینگونه موارد ارفاقی در قانون مجازات اسلامی، قانونگذار در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ نیز طی موادی من جمله مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ به بیان مقرره‌هایی در خصوص تخفیف مجازات پرداخته است.

حال سوالات اساسی این است که آیا مقررات مواد ۳۷ و ۳۸ از قانون مجازات اسلامی با مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری قابل جمع می‌باشد؟ آیا تفاوتی میان کلمه گذشت در بند الف ماده ۳۸ و عبارت صرف نظر از جرم در ماده ۴۳۸ وجود دارد؟ منظور و هدف قانونگذار از آوردن قید "در حدود قانون" در ماده ۴۸۳ چیست؟

در این مقاله هر چند به نحو مختصر به بیان پاسخ سوالات و ابهامات فوق خواهیم پرداخت.

واژه‌های کلیدی: کیفیات مخففه قضایی، کیفیات مخففه قانونی، گذشت شاکی، صرف نظر کردن از جرم، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری

برابر آموزه های مکتب کلاسیک حقوق جزا، هر جرم واقعه ای منحصر به فرد است که ارتکاب آن به شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب آن و سوابق اجتماعی و خانوادگی و حالات روانی مجرم بستگی دارد. تخفیف مجازات یکی از وسایل تفرید مجازات از محصولات مکتب کلاسیک حقوق جزا است که به دادگاه اجازه می دهد مجازات را با نوع جرم، شخصیت مجرم، اوضاع و احوال حاکم بر قضیه و عدالت قضایی تطبیق دهد. (دائمی، ۱۳۹۷: ۵۴) هرچند عده ای از حقوقدانان تخفیف یا تشدید مجازات را صرفاً کم شدن مجازات نمی دانند بلکه مواردی هم چون تعلیق اجرای مجازات- نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط را نیز به نوعی تخفیف یا تشدید می دانند (نجفی، سلطانفر، ۱۳۹۵: ۱۸۰)، مقنن در راستای بیان مقررات مربوط به کیفیات مخففه قضایی مواد ۳۷ و ۳۸ از قانون مجازات اسلامی را به این مهم اختصاص داده است و در راستای این مقررات روی به نوآوری هایی آورده است بعنوان مثال از جمله نوآوری های قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در این باب، تخفیف و تبدیل مجازات رجم و حد سرقت موضوع ماده ۲۲۵ و تبصره ۲ ماده ۲۷۸ می باشد. (زند- عمرانی فر، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۵-۴۴) اما مهمترین تغییر بعمل آمده در باب تخفیف قضایی نسبت به ماده ۲۲ قانون سابق که در همین راستا به تصویب رسیده بود ضابطه مند نمودن نحوه اعمال مقررات تخفیف توسط قانونگذار می باشد. ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی که به موجب ماده ۶ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری اصلاح گردید در این خصوص اشعار می دارد "در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را به نحوی که به حال متهم مناسب تر باشد به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند:

الف: تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه در مجازات های درجه ۴ و بالاتر

ب: تقلیل مجازات حبس درجه ۵ و ۶ به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل این مجازات و مجازات حبس درجه ۷ حسب مورد به جزای نقدی متناسب با همان درجه

پ: تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار

ت: تقلیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال

ث: تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه یا تبدیل آن به مجازات دیگر از همان درجه یا یک درجه پایین تر

به نظر می رسد قبل از اصلاح این ماده کلمه تبدیل در بند ت از قلم افتاده بود و قید کلمه تبدیل قبل از عبارت انواع دیگر، گویاتر به مقصود می بود. هرچند در نسخه منتشره روزنامه رسمی نیز کلمه تبدیل وجود ندارد و حذف آن مقصود مقنن را نمایان نمی سازد که منظور از تقلیل از همان نوع یا انواع دیگر چیست. (ساک، ۱۳۹۳: ۷۵) که البته قانون گذار در قانون کاهش مجازات حبس تعزیری ضمن تغییر در سایر بندها، به اصلاح این بند نیز پرداخت.

قانونگذار در ماده ۳۸ به بیان جهات تخفیف در هشت بند به شرح ذیل پرداخته است:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری موثر متهم در شناسایی شرکاء یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص موثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار موثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیان بار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

در ابتدا ذکر این مطلب ضروری می نماید که به نظر می رسد جهات مذکور در ماده ۳۸ حصری می باشند و تصویب تبصره یک ماده ۳۸ که حکایت از تکلیف دادگاه جهت درج جهات تخفیف در حکم خود را دارد، دلیلی بر این امر می باشد، لذا استناد قاضی به جهاتی غیر از جهات مصرحه و اعمال تخفیف در آن راستا به استناد بند پ ماده ۴۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری از موجبات نقض رای می باشد. (فلاحی، ۱۳۹۷: ۱۱۲). همچنین در مجازات درجه ۸ تقلیل ماده ۳۷ منتفی است اما تبدیل طبق مقررات مربوطه بلا مانع است زیرا مجازات حبس درجه ۸ تا ۳ ماه حبس است و موضوع از مصادیق بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ می باشد و دادگاه مکلف به تبدیل آن به جزای نقدی است باید توجه داشت که بند یک ماده ۳ قانون مرقوم خفیف تر از مجازات موضوع مواد ۶۴ و ۶۵ قانون مجازات است با این توضیح که اعمال ماده ۶۵ نیاز به احراز شرایطی مانند شرایط تخفیف را دارد اما اعمال بند یک ماده ۳ قانون وصول قیدی ندارد. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۲۲-۲۲۳) لازم به توضیح می باشد که به موجب ماده ی ۱۵ قانون کاهش حبس تعزیری عبارت "حداکثر مجازات کمتر از ۹۱ روز حبس و یا" از بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین حذف گردید و از سوی دیگر به موجب ماده ی ۶ قانون کاهش حبس تعزیری یک تبصره به شرح ذیل به ماده ی ۳۷ اضافه گردید "چنانچه در اجرای مقررات این ماده یا سایر مقرراتی که به موجب آن مجازات تخفیف می یابد حکم به حبس کمتر از ۹۱ روز صادر شود به مجازات جایگزین مربوط تبدیل می شود".

ذکر رای وحدت رویه شماره ۷۴۶ صادره از هیات عمومی دیوانعالی کشور نیز در این مقال مفید به نظر می رسد. به موجب رای مذکور "از مجموع مقررات مربوط به مجازات های جایگزین حبس، موضوع فصل نهم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به ویژه اطلاق مواد ۶۵-۶۹-۶۸-۶۶ قانون مذکور چنین مستفاد می گردد که تعیین و اعمال مجازات جایگزین حبس به شرح مندرج در مواد فوق الاشاره الزامی بوده و مقید به رعایت شرایط مقرر در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی از قبیل گذشت شاکی یا وجود جهات تخفیف نمی باشد. "

قانون گذار محترم علاوه بر بند الف ماده ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی (گذشت شاکی یا مدعی خصوصی)، در ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ بیان نموده است "هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رای قطعی است."

اولین سوالی که به ذهن می رسد اینست که آیا اعمال تخفیف بر اساس مقررات بند الف ماده ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی قابل جمع با مقررات ماده ی ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد به عبارتی چنانچه شخصی در حین رسیدگی به اتهامی با مجازات حبس درجه یک تا چهار موفق به اخذ رضایت شاکی گردد و به استناد آن بر اساس ماده ی ۳۷ حبس وی به میزان یک تا سه درجه تقلیل یافت، آیا می تواند پس از صدور حکم قطعی نیز با صرف نظر نمودن شاکی از جرم، از مزایای ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری هم استفاده نماید؟ چرا قانونگذار در بند الف ماده ی ۳۸ قانون مجازات اسلامی از عبارت گذشت شاکی استفاده نموده و در ماده ی ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری عبارت صرف نظر شاکی از وقوع جرم را بکار برده است؟ آیا میان این دو عبارت تفاوتی وجود دارد یا مقنن از هر دو عبارت یک منظور را دنبال نموده است؟ و در نهایت با توجه به اینکه قانونگذار در ماده ی ۳۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ برخلاف ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سابق مقررات تخفیف را ضابطه مند نموده است و با محدود کردن اختیارات قاضی، تنها اجازه تقلیل حبس های درجه یک تا چهار را به میزان یک تا سه درجه داده است و اختیار تبدیل حبس را به مجازات دیگر از مقام قضایی سلب نموده است و از سوی دیگر در ماده ۴۸۳ اجازه تقلیل و تبدیل مجازات را به صورت مطلق به مقام قضایی اعطاء نموده است، آیا در صورت صرف نظر نمودن شاکی از جرم پس از صدور حکم قطعی قاضی اجازه تبدیل مجازات حبس درجه یک تا چهار را دارد؟ به عبارت اخری آیا مقررات ماده ی ۴۸۳ استثنایی بر ضابطه مندی ماده ی ۳۷ می باشد؟

در ابتدا باید عنوان داشت که عبارت " مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا تبدیل می کند " در ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری، حاکی از اختیاری بودن تخفیف یا تبدیل توسط دادگاه با تشخیص اقتضاء آن به دلیل گذشت شاکی خصوصی است حال آنکه ایجاد انگیزه قوی در متهم برای کسب گذشت شاکی از طریق جبران خسارت او مستلزم این است که دادگاه مذکور در این مواقع مکلف به تخفیف باشد. (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۱۸) هر چند در عمل اکثر دادگاه ها در صورت گذشت بزه دیده در میزان مجازات بزهکار تجدیدنظر می کنند. (شیری، ۱۳۹۷: ۹۵) همچنین باید توجه داشت که اعلام گذشت در جرایم غیر قابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی از موجبات اعاده دادرسی نیست، بلکه محل

اعمال ماده ۴۸۳ می‌باشد که البته همانگونه که بیان نمودیم تخفیف در این مورد اختیاری است. (ساوانی، ۱۳۹۶: ۴۱۸).

برای پاسخ به سوالات مطروحه فوق در ابتدا باید دید آیا تفاوتی از نظر معنای لغوی میان گذشت و صرف نظر کردن وجود دارد یا خیر؟ در فرهنگ معین گذشت به معنای بخشش و چشم پوشی آمده است و در فرهنگ دهخدا نیز صرف نظر به معنای چشم پوشی، اغماض و گذشت بیان گردیده است بنابراین از نظر لغوی تفاوتی میان گذشت و صرف نظر وجود ندارد و این دو کلمه بصورت مترادف در کنار هم آمده اند، هر چند به نظر می‌رسد اداره حقوقی قوه قضائیه این دو را متمایز از یکدیگر می‌داند چرا که طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۷۲۲ مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ بیان داشته است "اعلام رضایت یا گذشت شاکی خصوصی نسبت به جنبه عمومی جرم فاقد مفهوم صحیح حقوقی است زیرا شاکی در ارتباط با جنبه عمومی جرم حق گذشت ندارد، اما اگر مقصود انصراف شاکی از شکایت کیفری است وی همانگونه که می‌تواند شکایت نکند می‌تواند پس از اعلام شکایت از آن صرف نظر کرده و انصراف دهد، انصراف از شکایت کیفری نافی حق وی در طرح دعوی حقوقی نیست."

اما در خصوص اینکه چنانچه دادگاه در مقام رسیدگی پس از اعلام رضایت شاکی، حبس متهم را بر اساس ماده ۳۷ تقلیل داد و پس از صدور حکم قطعی شاکی از شکایت خویش صرف نظر نمود، آیا دادگاه مجاز به اعمال تخفیف مجدد به استناد ماده ۴۸۳ می‌باشد یا خیر میان حقوقدانان اختلاف نظر وجود دارد و نظریات مشورتی متعارض در این زمینه صادر گردیده است، دکتر اردبیلی در خصوص سوال مارالذکر معتقدند ظاهراً تخفیف مجازات به لحاظ کیفیات مخفف ارتکاب جرم، مانع استفاده محکوم علیه از تخفیف به استناد ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری نمی‌باشد. (اردبیلی: ۱۳۹۷، ۱۴۵) دکتر محمد مصدق معتقد است چنانچه دادگاه صادر کننده رای بدواً به استناد بند الف ماده ۳۸ (رضایت شاکی) در مجازات متهم تخفیف قائل شود دیگر موجبی برای اعمال ماده ۴۸۳ نمی‌باشد و اعمال این ماده وجهه قانونی ندارد. علی‌الخصوص در جایی که دادگاه به استناد بند الف ماده ۳۷ از حداکثر جهات تخفیف تعیینی یعنی سه درجه استفاده نموده است دیگر اختیار اعمال تخفیف بر اساس ماده ۴۸۳ را ندارد چراکه در انتهای ماده ۴۸۳ مقرر گردیده است دادگاه در حدود قانون تخفیف می‌دهد و مطابق با بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی قانونگذار تقلیل حبس را تا حداکثر سه درجه محدود نموده است، لذا متهم دیگر نمی‌تواند از مزیت ماده ۴۸۳ استفاده نماید. (مصدق: ۱۳۹۸، ۲۳۰-۲۲۹-۲۲۸) به عبارتی تخفیف در حدود قانون به معنای این است که چنانچه دادگاه بدوی از همه ظرفیت‌های تخفیف مجازات بر اساس مواد مربوط به تخفیف مجازات استفاده کرده باشد دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند مجدداً مجازات مرتکب را تخفیف دهد. (مصدق، ۱۳۹۳: ۹۸)

اگر قائل به یکسانی معنای گذشت و صرف نظر باشیم از تبصره ۲ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی که بیان می‌دارد "هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به

موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد" نیز می‌توان جهت تقویت نظر دکتر مصدق بهره جست، مگر اینکه قائل به این نظر باشیم که منظور از جهات مندرج در مواد خاص در تبصره ۲ ماده ۳۸ تنها جهات قانونی تخفیف مجازات مصرح در مواد خاص قانون مجازات اسلامی می‌باشد.

همچنین دکتر محمد مصدق در بیان می‌دارند که مقام قضایی در راستای اعمال ماده ۴۸۳ می‌تواند حبس را به مجازات دیگر که مساعد تر به حال مرتکب باشد تبدیل کند و این تبدیل منصرف از ماده ۳۷ می‌باشد زیرا قانون گذار در موارد دیگر مانند ماده ۵۰۲ قانون آئین دادرسی کیفری و یا مواد ۶۵ الی ۶۹ قانون مجازات اسلامی اجازه تبدیل حبس به مجازات دیگر را داده است. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۳۳) به عبارت اخیری تخفیف ماده ۳۷ با موادی مانند ۴۴۲ و ۴۸۳ قابل جمع است. اداره حقوقی قوه قضائیه نیز به موجب نظریه مشورتی ۷/۲۲۱۸ مورخه ۱۳۹۵/۹/۷ این نظر را تایید کرده است و بیان میدارد "ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری حکم خاصی در مورد احکام قطعی با شرایط خاص است که تعارضی با ماده ۳۷ ندارد در فرض اعمال ماده ۴۸۳ قاضی اختیار تبدیل مجازات حبس به مجازات دیگر که مناسب به حال محکوم علیه باشد را داراست." (مصدق، ۱۳۹۳: ۲۴۳)

همچنین در نظریه مشورتی شماره ۷/۹۳/۱۴۶۰-۷/۲۲-۹۳۱۳/۶ اداره کل حقوقی قوه قضائیه آمده است "بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به دادگاه اختیار داده در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، حبس مرتکب را تا سه درجه تقلیل دهد؛ ولی مجاز نیست آن را به جزای نقدی تبدیل نماید..... شایان ذکر است که در مورد اعمال ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی، قاضی علاوه بر دارا بودن اختیار تقلیل مجازات حبس، اختیار تبدیل مجازات حبس به مجازات دیگری را که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد را داراست."

درمقابل عده ای از حقوقدانان به نظریه مشورتی ۷/۹۲/۱۴۷۲ مورخه ۱۳۹۲/۸/۷ اداره حقوقی قوه قضائیه که بیان می‌دارد "بند الف ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به دادگاه اختیار داده در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، حبس مرتکب را تا سه درجه تقلیل دهد ولی مجاز نیست آن را به جزای نقدی تبدیل نماید" تمسک جسته اند و بیان داشته اند:

استناد ماده ۲۷۷ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری (ماده ۴۸۳ قانون آئین دادرسی کیفری فعلی) نیز مشمول همین حکم است و پس از اعمال تخفیف مجازات به سه ماه حبس یا کمتر مورد از مصادیق بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت نیست تا بتوان حکم به جزای نقدی صادر کرد. (فلاحی، ۱۳۹۷: ۱۱۹)

البته باید به این نکته توجه داشت که زمان نگارش قانون آیین دادرسی کیفری کنونی مقدم بر قانون مجازات اسلامی بود هرچند تصویب آن موخر می‌باشد و از آنجایی که در زمان نگارش قانون آیین دادرسی کیفری، ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی سابق حاکم بود و در آن ماده اختیارات مقام قضایی جهت اعمال مقررات تخفیف اعم از تقلیل و تبدیل بود و از سوی دیگر ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی

کیفری فعلی عینا از ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی کیفری سابق اقتباس گردیده است این ابهام بروز نموده است و همین امر باعث ایجاد تفاوت میان این دو ماده گردیده است البته پذیرش این نظر که مقررات تخفیفی در ماده ۴۸۳ را نباید به تقلیل محدود نمود در عمل این تالی فاسد را به همراه دارد که چنانچه متهم در حبس‌های درجه یک تا چهار در طول دادرسی موفق به اخذ رضایت از شاکی شود حبس وی تنها تقلیل می‌یابد اما اگر پس از صدور حکم قطعی موفق به اخذ صرف نظر شاکی از جرم شود حبس وی قابل تقلیل و تبدیل می‌باشد. (رحمت نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷)

سوال دیگر این است که نحوه اعمال ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی و ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری در خصوص جرائمی که قانونگذار تخفیف در آنها را محدود نموده است به عنوان مثال در جرم کلاهبرداری که دادگاه حتی در مقام اعمال تخفیف نباید از حداقل قانونی پایین‌تر باید چگونه است؟

رای وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۱۳۷۷/۶/۳۱ در این خصوص بیان می‌دارد "چنانچه دادگاه در زمان صدور رای در راستای اعمال مقررات تخفیف ملزم به رعایت حداقل قانونی باشد (مانند آنچه در تبصره یک ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشاء و کلاهبرداری آمده است) به طریق اولی پس از قطعیت رای در جهت اعمال ماده ۲۷۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری (ماده ۴۸۳ فعلی) نیز چنین اجازه‌ای ندارد و از این جهت فرقی بین کلاهبرداری یا جرایم در حکم کلاهبرداری مانند انتقال مال غیر نمی‌باشد " هر چند عده‌ای معتقدند تمام احکام کلاهبرداری به جرایم در حکم کلاهبرداری مانند فروش مال غیر تحمیل نمی‌شود.

حال چنانچه متهم بعد از صدور حکم محکومیت قطعی موفق به اخذ رضایت شاکی گردد آیا دادگاه می‌تواند به استناد ماده ۴۸۳ مجازات حبس زیر یک سال برای او در نظر بگیرد؟ پاسخ به این سوال نیز اختلافی است عده‌ایی معتقدند با عنایت به اینکه تبصره ۱ بیان می‌دارد در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود... قانون گذار صدور حکم کمتر از حداقل حبس و همچنین تبدیل به مجازات دیگر را به صورت مطلق منع کرده است چه حین صدور حکم باشد چه پس از آن و از آنجایی که در ماده ۴۸۳ قید در حدود قانون آمده است و در موارد فوق قانونگذار حدی برای تخفیف تعیین نموده و آن حداقل مجازات حبس است در این گونه جرائم اعمال تخفیف دارای محدودیت است. (خالقی، ۱۳۹۸) نظر دیگر این است که تبصره ناظر به حین صدور حکم و ماده ۴۸۳ ناظر به بعد از صدور حکم قطعی است لذا منعی در این مرحله وجود ندارد. (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۹) از دیدگاه دکتر مصدق نیز نظر اول ارجح است. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۲۸-۲۲۷) ایشان همچنین اعتقاد دارند از آنجایی که در ماده ۴۸۳ قید در حدود قانون آمده است بنابراین در مواردی مانند ماده ۷۱۹ که دادگاه از اعمال کیفیات مخففه منع گشته است لذا با جلب رضایت شاکی پس از صدور حکم به استناد ماده ۴۸۳ نیز نمی‌توان در حق متهم تخفیف اعمال نمود نظریه مشورتی ۷/۴۰۶ مورخ ۱۳۸۶/۲/۲۱ نیز موید این نظر است. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۳۶)

یکی دیگر از موجبات تخفیف که در قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است مقررات ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری می باشد که بیان می دارد " در تمام محکومیت های تعزیری در صورتی که دادستان از حکم صادره درخواست تجدیدنظر نکرده باشد محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت تجدیدنظرخواهی با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق تجدیدنظرخواهی خود را اسقاط یا درخواست تجدیدنظر را مسترد نماید و تقاضای تخفیف مجازات کند در این صورت دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می کند این حکم دادگاه قطعی است."

باید توجه داشت که اعمال ماده ۴۴۲ در کلیه محکومیت های تعزیری درجه ۱ تا ۷ امکان پذیر است و منظور از کلمه درخواست تجدیدنظر یا تجدیدنظرخواهی معنای خاص و محدود آن نبوده بلکه مقصود مقنن مطلق انصراف از اعتراض به رای است اعم از اینکه حکم قابل تجدیدنظرخواهی در محاکم تجدیدنظر یا فرجام خواهی در دیوان عالی کشور باشد. رای وحدت رویه ۷۵۶ مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ در این خصوص مقرر می دارد " با توجه به تاکید مقنن در تمام محکومیت های تعزیری در صدر ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری از یک سو و ارفاقی بودن این ماده و این که در صورت تردید در شمول حکم طبق اصل تفسیر قانون به نفع محکوم علیه شمول حکم ماده ۴۴۲ قانون مذکور نسبت به محکومیت های تعزیری قابل فرجام با موازین قانونی و اصول کلی دادرسی سازگارتر است " البته در این ماده صرفاً عدم تجدیدنظرخواهی دادستان قید گردیده است و در نظر نگرفتن حق تجدیدنظرخواهی شاکی به این دلیل است که این ماده از ماده ۶ قانون اصلاح پاره ای از قوانین دادگستری اقتباس شده است و از آنجایی که در زمان حاکمیت آن قانون تنها دادستان و متهم حق اعتراض به جنبه کیفری حکم دادگاه جنحه را داشتند و حق اعتراض شاکی منحصر به ضرر و زیان ناشی از جرم بوده است این ماده بدین نحو نگارش یافته است هر چند باید عنوان نمود که اقتباس صرف از آن ماده نادرست است و در راستای جمع مواد ۴۴۲ و ۴۴۳ باید گفت در حالی محکوم علیه مشمول ارفاق مقرر در ماده است که شاکی هم تجدیدنظرخواهی نکرده باشد. (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۴۵-۱۴۶)

شایان ذکر می باشد که عده ای از حقوقدانان معتقدند از آنجایی که ماده ۴۴۲ مقرر نموده است دادگاه تا یک چهارم مجازات تعیین شده را کسر می نماید بنابراین عبارت فوق مفید تقلیل مجازات مقرر در حکم است نه تغییر نوع آن (ساولانی، ۱۳۹۶: ۳۳۶) دکتر خالقی نیز قائل بر این نظر است. (خالقی، ۱۳۹۸: ۱۴۶)

حال سوال این است که آیا اعمال توأمان این ماده با ماده ۳۷ قانون مجازات و یا با ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری امکان دارد؟ حقوقدانان در این خصوص نیز اختلاف نظر دارد دکتر زراعت اعمال توأمان تخفیف مندرج در ماده ۴۴۲ را با تخفیف ماده ۳۷ بلامانع می داند. (زراعت، ۱۳۹۲: ۱۱۷) دکتر مصدق معتقد است اگر دادگاه به استناد ماده ۳۷ مجازات حبس متهم را به سه درجه تقلیل داد و سپس

محکوم در راستای اعمال ماده ۴۴۲ حق تجدیدنظرخواهی خویش را اسقاط نمود منعی جهت اعمال مجدد تخفیف وجود ندارد زیرا که تخفیف مقرر در ماده ۴۴۲ فراتر از ماده ۳۷ است و در ماده ۴۴۲ بر خلاف ماده ۴۸۳ قید در حدود قانون پیش بینی نشده است. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۳۱) حتی ایشان معتقدند اگر دادگاه در راستای اعمال ماده ۴۴۲ مجازات محکوم را تا یک چهارم تخفیف داد و سپس زمینه اجرای ماده ۴۸۳ فراهم گردید دادگاه اختیار اعمال تخفیف را دارد چرا که اجرای ماده ۴۴۲ منافاتی با تخفیف و اجرای ماده ۴۸۳ ندارد. (مصدق، ۱۳۹۸: ۲۳۰-۲۳۱)

نظریه مشورتی شماره ۷/۹۴/۱۰۹۷ مورخه ۱۳۹۴/۵/۵ اداره کل حقوقی قوه قضاییه در این خصوص اشعار می دارد "فرض ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با توجه به فلسفه وجودی آن که کاهش یک مرحله از دادرسی و تسریع در رسیدگی و قطعیت آرا می باشد ناظر به مواردی است که پرونده امر با وجود قابلیت تجدیدنظرخواهی محکوم علیه، به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان و شاکی خصوصی یا استرداد درخواست تجدید نظر از سوی نامبردگان قابلیت طرح در مرجع تجدیدنظر را نداشته باشد بنابراین در فرض سوال که شاکی خصوصی از حکم صادره محکومیت، تجدید نظر نموده است مورد مطروحه از مصادیق ماده ۴۴۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ خارج بوده و دادگاه تجدید نظر مطابق مقررات رسیدگی و رای لازم را صادر خواهد نمود بدیهی است که دادگاه تجدید نظر مطابق ماده ۴۵۹ قانون فوق الذکر در صورت استحقاق محکوم علیه در مجازات وی تخفیف خواهد داد.

رای وحدت رویه ۷۷۲ مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۰ نیز در این خصوص بیان می دارد "از سیاق عبارات ماده ۴۴۲ اعمال تخفیف برای دادگاه افاده تکلیف می کند" ضمن آنکه رئیس محترم قوه قضاییه طی بخشنامه ایی مقرر داشته است روسای کل دادگستری ها ترتیبی اتخاذ نمایند که به طریق مقتضی نسبت به اطلاع رسانی مفاد ماده ۴۴۲ اقدام شود.

به نظر می رسد در راستای اعمال سیاست های جنایی مبنی بر جلوگیری از اطاله دادرسی قانونگذار در برابر اسقاط حق تجدیدنظرخواهی اعطای این تخفیف را به محکومان نوید داده است لذا باید قائل به امکان جمع تخفیف مصرح در ماده با سایر تخفیفات بیان شده در سایر مواد باشیم.

نتیجه گیری: مقررات تخفیف مجازات در جهت اعمال سیاست جنایی تفرید مجازات ها در همه قوانین پیش بینی گردیده است لذا در عین ضابطه مند نمودن آن بهتر است دست مقامات قضایی جهت اعمال مقررات آن تا حدودی باز گذاشته شود از آنجایی که قانونگذار حکیم علاوه بر ضابطه مند نمودن مقررات تخفیف در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی تاسیسات ارفاقی دیگری را در همین راستا و در موادی مانند مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی نموده است و هدف از تصویب این مواد تشویق متهم جهت اخذ رضایت شاکی در راستای اعمال آموزه های مکتب عدالت ترمیمی و جلوگیری از اطاله دادرسی می باشد به نظر می رسد بهتر است با تفسیر موسع از موادی که در قانون

شکلی مقرر گردیده است و همسو با تفسیر به نفع متهم نیز می‌باشد مقررات این دو ماده (مواد ۴۴۲ و ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری) را با هم و با ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی قابل جمع بدانیم و از آنجایی که در ماده ۴۸۳ اجازه تبدیل حبس به صراحت قید گردیده است از اجتهاد در برابر نص بهره‌ایم و تبدیل حبس در این ماده را بپذیریم در راستای اهداف مقنن در جهت کاهش میزان مجازات حبس و جمعیت زندانیان و همسو با قانون کاهش مجازات حبس تعزیری گام برداریم لذا با عنایت به اینکه اصولاً متهمان متمایل به این امر می‌باشند که در برابر جبران خسارت، گذشت شاکی باید به موجب سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی به عمل آید پیشنهاد می‌شود سردفتران نسبت به تفاوت بار حقوقی گذشت در طی دادرسی و صرف نظر نمودن از جرم پس از صدور خود قطعی آگاه گردند تا در هر مورد سند صحیح تنظیم گردد و متناسب با آنها میزان مجازات محکومان تبیین گردد.

فهرست منابع و مآخذ

۱. فرهنگ دهخدا
۲. فرهنگ معین
۳. اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، انتشارات حقوقی میزان، جلد سوم، چاپ هفدهم، ۱۳۹۷
۴. الهام، غلامحسین - برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، انتشارات بنیاد حقوقی میزان، جلد دوم (واکنش در برابر جرم) چاپ پنجم، ۱۳۹۸
۵. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، موسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، جلد دوم، چاپ ۳۹، ۱۳۹۸
۶. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، انتشارات ققنوس، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۹۲
۷. ساولانی، اسماعیل، آیین دادرسی کیفری، انتشارات مشاهیر دادآفرین، چاپ دوم، (ویرایش جدید)، ۱۳۹۶
۸. ساکی، محمدرضا، حقوق جزای عمومی (مجازات ها و اقدامات تامینی و تربیتی)، انتشارات جنگل، جلد سوم، چاپ اول، ۱۳۹۳
۹. شاه حیدری، محمد علی - رفیعی، احمد - شهنساری، محمد جواد، قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و نظریه های مشورتی اداره ی کل حقوقی قوه قضاییه، انتشارات روزنامه ی رسمی جمهوری اسلامی ایران، تابستان ۱۳۹۴
۱۰. مصدق، محمد، شرح قانون مجازات اسلامی، کلیات و مجازات ها، انتشارات جنگل جاودانه، جلد اول، چاپ ۱۱، ۱۳۹۸
۱۱. مصدق، محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات جنگل جاودانه، چاپ دوم، ۱۳۹۳
۱۲. دائمی، هادی، بررسی تخفیف و تبدیل مجازات در حقوق ایران مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، شماره ی یک، دوره ی چهارم، تابستان ۱۳۹۷
۱۳. زندی، محمدرضا - عمرانی فر، عدنان، ممنوعیت یا مقبولیت تخفیفات مجازات در جرایم مستوجب حد، فصلنامه ی قضاوت، شماره ی نود، تابستان ۱۳۹۶
۱۴. عشیری، عباس، حق بزه دیده در تعیین کیفر و نحوه ی اجرای آن، دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ی ۸۱، بهار ۱۳۹۷
۱۵. فلاحی، ابوالقاسم تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی، مجله ی حقوقی دادگستری، شماره ی ۱۰۲، تابستان ۱۳۹۷
۱۶. نجفی، مهدی - سلطانفر، غلامرضا، کلیات تخفیف و تشدید مجازات در آیین دادرسی ایران، مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه، شماره ی چهارم، زمستان ۱۳۹۵

۱۷. رحمت، محمدرضا، تقریرات درس سیاست جنایی مقطع دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه

آزاد اسلامی واحد یزد، نیمسال دوم ۹۸-۱۳۹۷